

امنیت، جمهوری اسلامی و نهادهای سیاستگذار

فیروز اصلانی*

استادیار گروه حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمود فرد کاردل

کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۲/۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۹/۳/۵)

چکیده:

امنیت ملی برای هر کشوری، ضروری ترین نیاز و مهم ترین ارزش تلقی می شود؛ به گونه ای که هر حکومتی، سیاست ها و راهبردهای خود را جهت نیل به امنیت ملی و حفظ آن اتخاذ و توجیه می کند. تأمین امنیت به مفهوم وجود شرایطی است که افراد ملت نسبت به سلامت جان، مال، عقاید، حقوق اساسی، حفظ تمامیت ارضی کشور، حفظ استقلال کشور، حفظ اقتدار و اعتبار ملی و به طور کلی تأمین همه جانبه ارزشهایی که در گستره چتر منافع ملی جای می گیرند، بطور نسبی اطمینان حاصل کنند. لذا بدیهی است حفاظت گسترده از منافع ملی کشور نیازمند تشریک مساعی و هماهنگی همه جانبه میان ارکان مختلف زمامداری است و در مجموعه ای بسیط و کلی امکان پذیر است و در نتیجه نهادهای سه گانه مقام رهبری، شورای عالی امنیت ملی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هر یک با توجه به فراخور و در حیطه وظایف شرعی و قانونی خویش در نظام جمهوری اسلامی ایران متولی این امر خطیر هستند. وظیفه ی این نهادها اتخاذ تصمیم صائب و شایسته جهت اجرای صحیح امور دفاعی-امنیتی است.

واژگان کلیدی:

امنیت، امنیت ملی، حقوق، نهاد سیاستگذار، قانون اساسی.

مقدمه

پس از تحولات ناشی از انقلاب صنعتی، انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب آمریکا، جهان شاهد تحول در مفهوم سنتی سیاست های دفاعی-امنیتی شد. با این توضیح که بر اساس تحولات رخ داده دیگر تنها قدرت نظامی نقش اصلی و محوری در مفهوم امنیت ایفا نمی‌کند؛ بلکه نیروهای نظامی بخشی از کل روندهای جامعه همچون سیاست، اقتصاد، فناوری و... است که در هنگام بروز تهدیدات خارجی علیه امنیت به طور هماهنگ با سایر بخش های جامعه به فعالیت می‌پردازند. تحولاتی که پس از درگیری قدرت های اروپایی در سال های موسوم به دوره صلح مسلح (۱۸۷۱-۱۹۱۴) رخ داد، بر پیچیدگی مفهوم امنیت افزود که حاصل آن در جنگ جهانی اول نمایان شد. در این واقعه، همسو و همراه با عوامل نظامی، عوامل اقتصادی، سیاسی، اطلاعاتی، تکنولوژیک و... نیز اهمیت خود را در پیشبرد جنگ و کسب پیروزی نشان دادند (برژینسکی، ترجمه خلیلی، ۱۳۶۹: ۹۵). مسائل نظامی و دفاعی زیرمجموعه نظام امنیتی محسوب می‌شوند و در کشورهای مقتدر، این دو غیرقابل تفکیک هستند. بدیهی است در عرصه رقابت، جامعه‌ای می‌تواند به حداکثر امنیت ملی خود نائل شود که از قدرت نسبی لازم برخوردار بوده، بینشی عمیق و درک صحیح نسبت به ابعاد مختلف امنیت ملی، اهمیت و ارجحیت نسبی آنها داشته باشد. بالاخره سیاست ها و راهبردهایی واقع بینانه و اثر بخش برای نیل به اهداف خود اتخاذ کند (بوزان، ۱۳۷۸: ۴۲).

در این راستا، مقابله با همه تهدیداتی که امنیت ملی کشور را به چالش فرا می‌کشد، تدوین طرح ها و راهکارهایی منطقی و آگاهانه بر مبنای معیارهای قابل قبول و با استفاده از روش های علمی بوسیله متخصصین و دست اندر کاران بخش های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی کشور امری بس مهم و خطیر قلمداد می‌شود. بنابراین، تنها افرادی می‌توانند به اتخاذ تصمیمات صائب و شایسته و سیاستگذاریهای دقیق در این عرصه اقدام کنند که علاوه بر تخصص و تواناییهای لازم، آگاهی کافی نیز نسبت به مسائل و رخدادهایی داشته باشند که در اطراف آنان در سطح جهانی اتفاق می‌افتد. این چنین شخصیت سیاستگذاری در هر دولت و کشوری در جهان می‌تواند شخص واحد یا کار گروهی ویژه و زبده باشد. در نظام جمهوری اسلامی ایران این سیاستگذاریها در سطح کلان به رهبری (عالی ترین مقام شرعی و قانونی کشور) و در مرتبه بعدی و در امتداد آن به شورای عالی امنیت ملی (کار گروه ویژه، متخصص و زبده) و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (حافظ و نگهبان انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن) واگذار شد که ترکیبی عالی و کم نظیر را بوجود آورده‌اند. لذا قبل از ورود به بحث ابتدا به بیان و تبیین مفهوم امنیت ملی و مولفه‌های آن و در ادامه به ارتباط امنیت ملی با حقوق و سپس به نهادهای سیاستگذار پرداخته می‌شود.

مفهوم امنیت ملی

مفهوم امنیت از ماهیتی نارسا (تاجیک، ۱۳۷۶: ۴۷)؛ جدال برانگیز (Hugh, 1981:46) و از ویژگی متباین و متناقض (Igbalur, 1992:3) برخوردار است. با توجه به مفهوم غیرتوسعه یافته (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۵)، مبهم (Wolfers, 1962:10) و نسبی (کاظمی پور، ۱۳۷۵: ۷۵) بودن امنیت نمی‌توان تعریفی واحد از آن ارائه داد. به زعم پژوهشگران امنیتی تلاش در جهت تبیین مفهوم امنیت ملی بدون توجه به ویژگیهای مفهوم امنیت نه تنها تلاش ساده اندیشانه است؛ بلکه منتج به نتایج مطلوب هم نخواهد شد (بوزان، همان: ۱۲). با نگاهی گذرا به رویکردها و مکاتب علمی و تحقیقاتی حوزه امنیت به وضوح مشهود است که تعریف از امنیت نه ممکن است و نه مطلوب و علت این امر نیز مهم ترین ویژگی امنیت یعنی اجتماعی بودن آن و وجود اغراض متعدد در تأمین آن است. رویکردهای طبیعی، تفسیری و انتقادی امنیت، همه بر این امر اتفاق نظر دارند که در تدوین برنامه امنیتی «تکثر در ارائه طریق»، «مشارکت و همدلی» و جایگزینی «فرد» به جای «دولت» در نقش مرجع امنیت از عناصر کلیدی است. بنابراین، امنیت علاوه بر آنکه واقعیتی بیرونی است دارای ماهیتی ذهنی و گفتمانی نیز هست. مفهوم امنیت در رابطه ای همنشینی با مفاهیم دیگر همچون قدرت، اهداف، مصالح، تهدیدات و... که همگی مفاهیم مبهم، توسعه نیافته و سیال هستند مصداق و یا مصادیق خود را می‌یابند (تاجیک، ۱۳۷۷: ۲). به دیگر سخن نمی‌توان «ما وضع له» واحد و شفاف و جوهری حقیقی و لایتغیر برای مفهوم امنیت فرض کرد. میان «موضوع له» واژه امنیت و «مستعمل فیه» آن نه به نحو تضمین و نه به نحو التزام هیچ رابطه‌ای وجود ندارد (همان).

به هر حال، هر کشوری با توجه به عوامل تأثیر گذار مانند منافع حیاتی، اهداف ملی، شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم، وضعیت جغرافیایی و موارد دیگر، برداشتی خاص از امنیت دارد و تعریفی ویژه برای آن ارائه می‌دهد. اما در جمع‌بندی این نتیجه حاصل می‌شود که اقدامات علیه بقاء کشوری را می‌توان اقدامات علیه امنیت ملی دانست (ره پیک، ۱۳۷۷: ۳). من حیث المجموع با توجه به عدم جهانشمولی این مفهوم و انتزاعی بودن آن، برای بنا کار می‌توان مفروضه ذیل را از مفهوم امنیت ملی ارائه داد:

امنیت ملی عبارت است از وضعیتی که نظام قادر باشد اقتدار خود را به منظور استمرار ثبات نظام و پاسداری از ارزشهای بنیادین و منافع ملی در برابر تهدیدات داخلی و خارجی بر اساس درک واضح از تواناییها، امکانات و همکاریهای مشترک در جهت رشد و اعتلای کشور و ارزشهای آن به کار گیرد.

مؤلفه‌های امنیت ملی

مشروعیت و منافع ملی نیز به عنوان مؤلفه‌ها و عناصر متشکله امنیت ملی مطرح است. از آنجا که منافع ملی نیز مانند امنیت ملی از مفاهیم مبهم و پیچیده به شمار می‌روند (دوگان، ۱۳۷۸: ۲۷۷)؛ در تبیین مفهوم منافع ملی نیز جدای از نگرشها، ملاکها و معیارهای ارائه شده در جهت تشخیص آن به طور اختصار می‌توان از معیارهایی نام برد مانند اینکه این منافع جزء منافع درازمدت بوده و عموماً ریشه در ایدئولوژی یا تاریخ ملی دارد و بیش از آنکه نشان دهنده تواناییها و قابلیت‌های سیاسی باشد نشانگر تمایلات و آرزوهای سیاسی است (تاجیک، ۱۳۸۰: ۵۳). از این منافع به عنوان منافع حیاتی نیز یاد می‌شود (قوام، ۱۳۷۰: ۱۱۴) که کشورها حاضر به سازش و دادن امتیاز بر سر آن نیستند و آمادگی کامل جهت جنگ در صورت لزوم برای حفظ آن را دارند.

مشروعیت نیز دارای اهمیت بسیار حیاتی و از عوامل موجد امنیت ملی است. مشروعیت یعنی توجیه عقلی اعمال قدرت حاکم (لاریجانی، ۱۳۷۳: ۹). در کشورهای با حکومت‌های انتخابی، نظام سیاسی به دلیل آنکه منتخب مردم است از حیث تهدیدات داخلی احساس خطر نمی‌کند اما نظامهایی که نتوانسته‌اند از طریق سازوکارهای انتخاباتی حکومت را در دست گیرند و از پشتوانه مردمی لازم برخوردار نیستند، تهدیدات داخلی آنها به دلیل عدم توفیق این دولت‌ها در کسب مشروعیت به مراتب جدی‌تر از تهدیدات خارجی است (ابوالحمد، ۱۳۶۸: ۲۴۵). نکته حائز اهمیت در بحث داخلی دولت‌ها امر مشروعیت یابی است تا مشروعیت در مرحله تکوین دولت‌ها (دوگان، ۱۳۷۸: ۲۷۹). چه بسیار دولت‌ها که بر مبنای مشروعیت قانونی بوجود آمده‌اند اما تنها به دلیل عدم توفیق در مشروعیت یابی با انقلابات داخلی روبرو شده‌اند و برعکس دولتهایی که با شیوه‌ای غیر انتخاباتی حاکمیت را بدست گرفته‌اند؛ اما توانسته‌اند در روند سیاستگذاری مشروعیت مردمی را کسب کنند. بنابراین، استمرار مشروعیت برای ثبات و حفظ نظام سیاسی و متلازم آن یعنی امنیت ملی مطلوب و لازم است.

ارتباط و تعامل امنیت ملی با حقوق

علی‌الاصول، حقوق از ارکان و مقدمات تبیین امنیت ملی است. حقوق، معیارها و چارچوبه مشروعیت را معین می‌کند. حقوق، چگونگی تصمیم‌سازی، الزام و کنترلها را مشخص می‌سازد و یا دست کم، بخشهایی مهم از ارزشهای بنیادی و حیاتی کشور از طریق حقوق تعیین می‌شود. از سوی دیگر، حقوق می‌تواند میزان تخطی از این ارزشها و درجه اهمیت آن را مشخص کند. همچنین محک حقوق در همه دستگاههای حکومتی، اعم از قوه مجریه، احکام قضایی، مصوبات مجلس و قراردادهای خارجی حضور دارد. بنابراین، بستر

حقوق، قابلیت تعمیم و وسعت بسیار دارد و تعریف امنیت ملی در این ظرف می‌تواند بسیار مهم باشد (ره‌پیک، ۱۳۷۹: ۱۰).

حقوق در فرآیند سیاستگذاری دو نقش ایفا می‌کند که در واقع نقشهایی است که به طور مستمر و متوالی قابل مشاهده است؛ نخستین نقش، نقش ساختاری و حقوقی است. در این نقش، حقوق، نهادها، رویه‌ها و راهنمایی‌هایی را ایجاد می‌کند که تصمیمات دیگر براساس آن اتخاذ می‌شود. اقتدار شعب مختلف حاکمیت و داوری در اختلافات قوای مختلف در این نقش تعریف می‌شود. لذا مشاهده می‌شود که این نقش تا چه حد با امنیت ملی درگیر است و تأثیر آن بر امنیت چگونه است.

دومین تأثیر حقوق بر امنیت ملی، از طریق نقش ابزاری است. از این منظر، حقوق در روندی مستمر، نظم عمومی جامعه را شکل می‌دهد و تصمیمات اجرایی، قضایی و تضمینی را در جهت حفظ ثبات و امنیت کشور تنظیم می‌کند (همان: ۱۱). در هر حال، در مفهوم امنیت باید ضوابط و ویژگی‌هایی وجود داشته باشد که لازم است با توجه به این ویژگی‌ها، پیشنهاد مناسب عرضه و قوانین مورد نیاز تدوین شود.

نهادهای سیاستگذار

مراد و مقصود از نهادهای سیاستگذار مراکز تصمیم‌گیرنده در سطح کلان کشور است که با عنایت به مسئولیت و منصب شرعی و قانونی خویش و با توجه به تدبیر، تخصص و کارآمدی به اتخاذ تصمیماتی کلان در جهت تعیین سیاست و راهبردهای لازم برای حفظ اصل نظام و ارزشهای آن و نیل به تحقق کامل منویات و اهداف متعالیه نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران مبادرت دارند که شامل نهادهای رهبری، شورای عالی امنیت ملی و سپاه پاسداران می‌شود که تصمیمات متخذه در عین استقلال کاری، سلسله‌مراتبی بوده و احتمال تعارض را از بین می‌برد که در ذیل به نهادهای مزبور و به نحوه اتخاذ تصمیمات و سیاستگذاری‌های آنان پرداخته می‌شود.

بخش اول: مقام رهبری

در زمان غیبت ولی عصر «عج الله فرجه الشریف» ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل، با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر در نظام جمهوری اسلامی ایران است. رهبری فقیه واجد شرایط در نظام اسلامی در تصدی ولایت امر مسلمین، مسئول حفظ کیان مسلمانان و مأمور به تدبیر امور آنان بر اساس احکام اسلامی است و در جهت تسهیل امور و کارآمدی نظام جمهوری اسلامی قوای سه‌گانه بسان بازوانی مقتدر انجام وظیفه می‌کنند و در حقیقت

ایشان در رأس هرم زمامداری قرار گرفته و بر همه پیکره حکومت اشراف تام دارد. بر اساس این اقتدار شرعی و قانونی، تعیین سیاست کلان کشور و خطوط اصلی نظام بر عهده ایشان قرار می‌گیرد و قوای سه گانه و سایر اجزاء زمامداری زیر نظر ولایت مطلقه ایشان قرار می‌گیرند و در تصمیمات اجرایی موظف به رعایت دستورات کلی و در حدود سیاستهای تعیین شده از طرف مقام مزبور است. قانونگذار اساسی نیز با عنایت به مقام عالی فقهی و سیاسی ایشان که ملهم از تعالیم اسلامی بیان شده در قانون اساسی است با بیان پاره‌ای از امور به عنوان اختیارات و وظایف رهبری از جمله تعیین سیاستهای کلی نظام، اعلان جنگ و صلح، بسیج نیروها و فرماندهی کل نیروهای مسلح این مقام را عالی‌ترین مقام مسئول تأمین و حفاظت از امنیت فردی، عمومی و ملی کشور معرفی کرده است. اهم وظایف رهبری در نظام اسلامی در حفظ امنیت ملی را می‌توان تعیین سیاستهای کلی نظام در امور دفاعی، اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها، فرماندهی کل نیروهای مسلح و هدایت امنیت ملی کشور دانست که نگاهی گذرا به آنها ضروری است.

گفتار اول: تعیین سیاستهای کلی نظام در امور دفاعی

یکی از ابتکارات مهم که در بازنگری قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ برای مقام رهبری مقرر شده: «تعیین سیاستهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران» پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام و «نظارت بر حسن اجرای آنها» است. بنابراین، مقام رهبری در جمیع جهت‌گیریهای سیاسی کشور از جمله «سیاست امنیتی» نقش کاملاً تعیین‌کننده دارد. لذا بسیاری از اعمال مربوط به سیاستهای امنیتی تحت تأثیر مستقیم و یا غیرمستقیم دستورات و احیاناً محدوده‌های تعیین شده بوسیله مقام مزبور قرار می‌گیرد. همه مسائل و سیاستهای امنیتی باید در راستای سیاستهای تعیین شده از سوی ایشان قرار گرفته و سیاستهای مزبور بوسیله ایشان برای همه سازمانها، نهادها و ارگانهای متصدی امنیت ملی لازم‌الاتباع است.

گفتار دوم: اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها

تجربه زندگی بشر نشان داده است که گاه برای حفظ کیان و موجودیت کشور و ملت باید کمر همت بست و در دفاع از حریم کشور و ناموس ملت و ارزشها ایستادگی کرد و گاه با درایت و تدبیر لازم از جنگ دست شست و با پذیرش صلحی عادلانه از ملک و ملت دفاع کرد. از آنجا که اعلان جنگ و صلح تصمیم پر مخاطره و سرنوشت‌سازی است که اتخاذ آن بوسیله افراد ممکن است نتایج جبران‌ناپذیر برای کشور و بشریت بر جای بگذارد؛ از طرفی نیز با وجود پیچیده شدن روابط بین دولتها خصوصاً در سطح نظامی و ایجاد اتحادیه‌های

نظامی قدرتمند و همچنین قدرت و نفوذ بلامنازع کشورهای پیشرفته در سازمانهای بین‌المللی، تصمیم‌گیری در این خصوص باید بر عهده فردی قرار گیرد که از درایت و تدبیر و شناخت پیچیدگی‌های مسائل بین‌المللی و شجاعت لازم بهره‌مند باشد. در نظام اسلامی، این امر را بر دوش فقیه واجد شرایط ولی امر مسلمین قرار داده‌اند. به راستی زمانی که اوضاع و احوال سیاسی و دفاعی کشور حکایت از اجتناب ناپذیر بودن جنگ می‌کند و بویژه هنگامی که «ارزشها و منافع حیاتی» ملت مورد تهدید قرار گیرد؛ اتخاذ تصمیم اعلان جنگ و صلح (و یا پذیرش پیشنهاد صلح) و به دنبال آن اعلام بسیج و آماده باش نیروها بر عهده چه کسی قرار می‌گیرد؟

پس از استقرار حکومت در بسیاری از کشورها و حاکمیت یافتن مردم بر تعیین سرنوشت خویش اقتضاء می‌کند که حاکمیت بر امور نظامی در اختیار زمامدار منتخب مردم و اتخاذ تصمیمات حاد نظامی همچون اعلان جنگ با نظارت و اجازه‌ی زمامدار منتخب مردم باشد. ضرورت مشارکت مردم در تعیین سیاست جنگ به ویژه از آن جهت قابل توجیه است که مباشرت کنندگان اصلی در جنگ خود مردم هستند که از طریق بذل جان و مال و بسیج امکانات از کیان و موجودیت کشور و ملک و آیین خویش دفاع کرده از طریق حاکمیت ملی و مظاهر آن بویژه رهبری منتخب و متکی بر آرای ملت در تعیین سرنوشت خویش و مشارکت در سرنوشت جنگ و صلح کشور خویش دخالت می‌کنند (نجفی، ۱۳۷۹: ۱۹۵). قانونگذار جمهوری اسلامی ایران این امر خطیر را بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی بر دوش رهبری نظام و فرماندهی کل قوا نهاده است که بتواند با سرعت و قاطعیت لازم و بر اساس تدبیر و درایتی ویژه که از آن برخوردار است به نحوی که مصالح عمومی ملت و کشور را تأمین و تضمین می‌کند اقدام مقتضی را به عمل آورد. لذاست که وفق قانون اساسی اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها جزء صلاحیتها و اختیارات اختصاصی رهبری است.

گفتار سوم: فرماندهی کل نیروهای مسلح

اداره نیروهای مسلح و انجام امور نظامی مستلزم اتکاء به وحدت فرماندهی است و حتی قوانین اساسی بسیاری از کشورها این فرماندهی واحد را بر عهده‌ی ریاست کشور می‌سپارند و این امر برای جلوگیری از تشتت و رقابت‌های نظامی داخلی و تسریع و تضمین قاطعیت لازم در موارد حساس و خطیر اجتناب ناپذیر است. قانون اساسی فرانسه بر اساس ماده‌ی ۱۵ اعلام می‌دارد: رئیس جمهور سرفرمانده نیروهای مسلح است و ریاست شوراها را عالی و کمیسیونهای دفاع ملی را بر عهده دارد (بوشهری، ۱۳۷۶: ۲۱۸). همچنین بند دوم ماده‌ی ۲ قانون اساسی آمریکا مقرر می‌دارد: رئیس جمهور فرمانده کل قوای زمینی و دریایی ایالات متحده و

همچنین نیروی نظامی هر یک از ایالات که عملاً به خدمت فرا خوانده شوند خواهد بود (بوشهری، ۱۳۷۶: ۲۱۹). همچنین قوانین اساسی نروژ (ماده ۲۵)، دانمارک (بند ۲ ماده ۱۹) و چین (ماده ۸۰) فرماندهی کل نیروهای مسلح کشور را بر عهده ریاست کشور گذاشته‌اند. بر همین مبناست که قانونگذار در اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی جهت تضمین سلسله مراتب ولایی در فرماندهی نیروهای مسلح و ایجاد نظم و انضباط لازم و دقت و سرعت کافی و جهت بخشی و هماهنگی موثر، فرماندهی کل نیروهای مسلح را به رهبری نظام اختصاص داده است تا از بروز تشتت و تفرقه و تنازع، ناهماهنگی و تزلزل و فشل شدن و به هرز رفتن نیروها جلوگیری به عمل آورد و در راه تأمین مصالح امت و کشور اسلامی از نیروهای مختلف نظامی و انتظامی استفاده بهینه و مطلوب به عمل آید. لذا ملاحظه می‌شود مبحث دفاع از فصل نهم که به نیروهای مسلح پرداخته است، از مواردی است که به تعبیر اصل شصتم قانون اساسی مستقیماً زیر نظر رهبری است.

گفتار چهارم: هدایت امنیت ملی کشور

هدف قانونگذار اساسی از تأسیس شورای عالی امنیت ملی در حقیقت ایجاد مرکز تخصصی و عالی جهت ایجاد وحدت رویه و اتخاذ سیاستهای کلان امنیتی همه جانبه بوده است. با مطالعه قوانین کشور به راحتی در خواهیم یافت که همه نهاد های مربوطه به حفظ و تأمین امنیت از جمله شورای عالی امنیت ملی به عنوان آخرین و به نظر عالی ترین مرجع تأمین هدف فوق تحت فرمان رهبری نظام می‌باشد. زیرا مصوبات شورای عالی امنیت ملی بعد از تأیید رهبری زمان شناس و آگاه به مصالح کشور و ملت قابل اجراست. به عبارتی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تحت اختیار قرار دادن این نهاد به این مقام، هدایت امنیت ملی کشور را به ایشان سپرده است. همچنین قانون اساسی همانطور که چنین اختیار و جایگاهی را برای ایشان ترسیم کرده است در قسمتی دیگر ایشان را ضامن عدم انحراف سازمانهای مختلف از وظایف اصیل اساسی خود می‌داند (مقدمه قانون اساسی، ولایت عادل فقیه).

بنابراین، همانگونه که منظور از تأسیس شورای عالی امنیت ملی تأمین منافع ملی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی است؛ رهبری نظام به عنوان مرجع تأیید مصوبات شورا و عالی ترین مقام سیاستگذار و جهت دهنده سیاستهای کشور در بعد امنیت ملی و ایجاد بستر مساعد جهت تحقق این شرایط شناخته شده است.

بخش دوم: شورای عالی امنیت ملی

گفتار اول: بررسی جایگاه، ترکیب و ساختار تشکیلاتی شورای عالی امنیت ملی

بدیهی است رفع تهدید و حفظ منافع کشور در برابر دولت‌های رقیب، مستلزم اقدامات و راهبردهایی خاص است که باید در سطوح مختلف تصمیم‌گیری صورت گیرد. کشوری می‌تواند به درجاتی قابل قبول از امنیت ملی نایل آید که افراد ملت و مسئولین حکومت با توجه به شرایط زمانی و مکانی کشور خود، شناخت دقیق نسبت به پدیده‌های امنیت‌زا و امنیت‌زدا داشته و آگاهی‌های خود را در قالب سیاست‌ها و راهبردهای مختلف در سطوح گوناگون تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار دهند. لذا به منظور نیل به اهداف امنیت ملی، هر دولتی کوشیده است مجموعه‌ای قابل اعتماد از نهادهای اجرایی را برای اداره امور مربوط به امنیت ملی ایجاد کرده و به کمال برساند. شورای امنیت ملی معمولاً در کشورها و نیز در نظام جمهوری اسلامی در مرکز نظام هماهنگ‌سازی و پیشبرد اقدامات مربوط به امنیت ملی قرار داشته و مرکز ثقل تدابیر امنیت ملی محسوب می‌شود. هر چند عملکرد شورای مزبور و ساختار تشکیلاتی آن در کشورهای گوناگون متفاوت است؛ لیکن هدف اولیه و اساسی از استقرار آن در همه کشورها، تحقق اهداف حیاتی امنیت ملی قلمداد می‌شود.

فصل اول: جایگاه قانونی شورای عالی امنیت ملی

تجربه‌ی ده ساله‌ی کشور در فاصله‌ی سنوات ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ خصوصاً در زمان جنگ این واقعیت را به اثبات رسانید که امور کشوری و لشکری از جهت امنیت ملی، استقلال و تمامیت ارضی کشور و همچنین سیاست و روابط خارجی در ارتباط ناگسستنی با یکدیگر قرار دارند. این ارتباط مورد توجه شورای بازنگری قانون اساسی ۱۳۶۸ قرار گرفت. با این توضیح که پیش از این شورای عالی دفاع و شورای امنیت کشور با نهادهای فرعی آن مجزا از یکدیگر عمل می‌کردند؛ حال آنکه وجود ارتباطی انکارناپذیر میان این بخش‌ها این ضرورت را اقتضاء می‌کرد که شورایی جامع تمام منافع و مصالح کشور در همه ابعاد نظامی، سیاسی و امنیتی (چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی) ایجاد شود تا بتوان از طریق هماهنگی میان شئون مختلف مزبور، موضع‌گیری و اتخاذ تصمیم کرد. از این رو، اصل ۱۷۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در جهت ایجاد جایگزینی مناسب برای شیوه‌های پراکنده‌ی گذشته، شورای عالی امنیت ملی کشور را با تشکیلات ترکیب و هماهنگ و با اهداف و وظایف مشخص ایجاد کرد (هاشمی، ۱۳۷۶: ۵۳۱). مصوبات شورای مزبور در زمینه مسائل امنیتی بهترین راه نیل به هماهنگی میان نیروهای لشکری و کشوری قلمداد می‌شود و پیوندی مطلوب و ارتباط منطقی میان تمامی نهادهای دست‌اندر کار امنیت ملی برقرار می‌کند.

فصل دوم: ترکیب و ساختار تشکیلاتی شورای عالی امنیت ملی

مبحث اول: ترکیب شورای عالی امنیت ملی

به سبب تأکید نمایندگان شورای بازنگری قانون اساسی مبنی بر وسعت بخشیدن به محدوده‌ی وظایف و اختیارات شورا به علت تسلط هر یک از اعضای شورا بر بخشی از امور سیاسی، اقتصادی، مالی، بین‌المللی، اطلاعاتی، نظامی و انتظامی و... و به منظور اتخاذ مواضعی جامع‌الاطراف، اصل ۱۷۶ قانون اساسی در قسمت دوم، ترکیب شورای عالی امنیت ملی را به شرح ذیل مقرر داشته است؛

یک: روسای قوای سه‌گانه کشور؛

دو: رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح؛

سه: مسئول امور برنامه و بودجه؛

چهار: دو نماینده به انتخاب رهبری؛

پنج: وزیر امور خارجه، کشور و اطلاعات.

گفتار دوم: بررسی اهداف، وظایف و شأن مصوبات شورای عالی امنیت ملی

فصل اول: اهداف شورای عالی امنیت ملی

اهداف شورای عالی امنیت ملی در صدر اصل یکصد و هفتاد و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است: «به منظور تأمین منافع ملی و پاسداری از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، شورای عالی امنیت ملی تشکیل می‌گردد». هر یک از اهداف فوق‌الاشعار مستلزم توضیحاتی جداگانه است که در ادامه به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرند.

مبحث اول: تأمین منافع ملی

مجموعه خواست‌ها، نیازهای اساسی و همیشگی و همه پدیده‌هایی که در حفظ و بقای ملت ایفای نقش می‌کنند، منافع ملی آن ملت نامیده می‌شوند (عسگری، ۱۳۸۰: ۹۶). به عبارت دیگر، همه عناصر موجودیت ملی یک کشور از قبیل سرزمین، ملت، حکومت، حاکمیت، نهادهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی مؤثر در پدید آمدن، دوام یافتن و نیرومند تر شدن آن ملت و هویت متمایز ملی آن و نقش آفرینی‌های داخلی، منطقه‌ای و جهانی آن، همه و همه در گستره‌ی چتر منافع ملی آن ملت جای می‌گیرد (خلیلی، ۱۳۸۰: ۳۶). واقعیت آن است که منافع ملی می‌تواند همواره در معرض تهدید قرار داشته باشد. گاهی اوقات منافع ملی از خارج مرزها مورد تهدید قرار می‌گیرند و زمانی پدیده‌های داخلی موجبات بروز ناامنی و تهدید منافع ملی را فراهم می‌سازند. علاوه بر تهدیدات درون مرزی و برون مرزی، حوادث غیر مترقبه و

پدیده‌های قهر آمیز طبیعی وزیست محیطی نیز منافع کشور را تهدید می‌کنند (درویشی سه تالانی، ۱۳۷۶: ۸۱). از این روی، شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران متشکل از مسئولان طراز اول لشکری و کشوری که دارای تخصص در امور گوناگون کشور هستند؛ هدف اصلی خود را تأمین منافع ملی دانسته و مسئولیت سنگین تدوین راهبردهایی جامع الاطراف و شایسته را به منظور اتخاذ مواضعی مطمئن در جهت حفظ و حراست منافع ملی کشور عهده دار شده است.

مبحث دوم: پاسداری از انقلاب اسلامی

مستفاد از اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران بر پایه ایمان به خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او با تأکید بر اصول نبوت، معاد، عدل و امامت و همچنین با تکیه بر کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند و بر پایه اجتهاد، استفاده از علوم و فنون بشری و نفی سلطه گری و سلطه پذیری، استوار شده است. از سوی دیگر، اصول اسلامی بودن نظام (اصول ۱، ۴ و ۱۲ قانون اساسی) و جمهوری اسلامی بودن نظام (اصول ۶ و ۵۶ قانون اساسی)، ولایت امر و امامت امت (اصول ۵، ۵۷، ۱۰۷ قانون اساسی) و استقلال و آزادی (اصل ۹ قانون اساسی) اصولی هستند که اتکاء نظام جمهوری اسلامی ایران بر آنها غیر قابل انکار بوده و اساساً موجودیت نظام جمهوری اسلامی ایران وابسته به آنهاست. لذا هرگونه آسیب و لطمه به اصول فوق الاشعار، نظام جمهوری اسلامی ایران را در معرض تهدیدات جدی قرار می‌دهد. از این رو و در راستای حراست همه جانبه از انقلاب اسلامی و دستاوردهای ارزشمند آن شورای عالی امنیت ملی از طریق بهره گیری از امکانات گستردهی نیروهای مسلح، تدابیر و اقدامات مؤثر و راهگشایی را اتخاذ می‌کند.

مبحث سوم: پاسداری از تمامیت ارضی

امروزه مرزها حد فاصل بین‌المللی کشورها محسوب می‌شوند و با تعرض به مرزهاست که تمامیت ارضی به خطر می‌افتد و لذا مرزها موجد حق و تکلیف برای دولت‌ها هستند. به موجب بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد: همه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده‌ی از آن بر ضد تمامیت ارضی و استقلال سیاسی هر کشوری... خودداری خواهند کرد (دولت‌شاه، ۱۳۸۴: ۷). اصل تمامیت ارضی یکی از موضوعات مهم حقوق بین‌الملل و داخلی کشورها به حساب می‌آید. در این راستا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حفظ تمامیت ارضی را در اصل نهم وظیفه دولت و آحاد ملت تلقی کرده است و در اصولی دیگر

طرق و تدابیر مجدانه برای پاسداری و حفاظت از آن مقدر می‌کند. از جمله این اصول می‌توان به اصل ۱۷۶ قانون اساسی اشاره داشت که حفظ تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران را از اهداف اساسی ایجاد شورای عالی امنیت ملی بر شمرده است. در اینجا باید دو عبارت بکار برده شده در دو اصول ۱۴۳ و ۱۷۶ را با یکدیگر مقایسه کرد. در اصل ۱۴۳ تمامیت ارضی بر عهده ارتش جمهوری اسلامی ایران نهاده شده، یعنی تمامیت ارضی به عنوان یک وظیفه اجرایی برای ارتش شناخته شده است. لیکن در اصل ۱۷۶، تمامیت ارضی به عنوان یک هدف ذکر شده که با وظایفی مجزا و متفاوت با وظایف ارتش یعنی از طریق سیاسی آن هدف را تأمین می‌کند. به این ترتیب، شورای عالی امنیت ملی با انجام وظایف خاص خود و جهت دار کردن آن برای تأمین تمامیت ارضی با ارتش جمهوری اسلامی ایران همکاری می‌کند و زمینه را برای انجام وظایف خاص ارتش فراهم می‌سازد (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۷۷۱).

مبحث چهارم: پاسداری از حاکمیت ملی

اصل ۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مشعر به حاکمیت الهی «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست...» و تبیین حاکمیت مردم «... خداوندانسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته ...» و نظریه‌ی حاکمیت ملی «... ملت این حق خداداد را از طرقی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند» را مورد تأکید قرار داده است. از این رو، در اصول متعدد قانون اساسی، جلوه‌هایی گوناگون از مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خویش مقرر شده است (هاشمی، ۱۳۷۶: ۹). مستفاد از مطالب مطروحه هرگز با مفاد اصل ۵۷ که اعمال حاکمیت ملی را بر عهده قوای سه گانه قرار داده، در تعارض نیست؛ زیرا شورای عالی امنیت ملی موظف به اعمال حاکمیت ملی نیست و این وظیفه بر عهده قوای سه گانه است. از اهداف شورای عالی امنیت ملی آن است که وظایف خود را به نحوی انجام دهد که قوای سه گانه بتوانند بستر اعمال حاکمیت ملی را داشته باشند؛ یعنی بسترهای مساعد برای انجام وظیفه اعمال حاکمیت ملی بوسیله سه قوه را فراهم سازد و موانع را از سر راه سه قوه بردارد تا هدف مشترک محقق شود (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۷۷۲).

فصل دوم: وظایف و اختیارات شورای عالی امنیت ملی

در راستای تحقق اهداف شورای عالی امنیت ملی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در قسمت دوم اصل ۱۷۶ مبادرت به احصاء وظایف و اختیارات شورای عالی امنیت ملی به شرح ذیل کرده است:

مبحث اول: تعیین سیاست های دفاعی - امنیتی کشور

در تعیین و تدوین سیاست های دفاعی - امنیتی کشور، عوامل بسیار ایفای نقش می کنند که در صورت شناخت دقیق و صحیح آنها از یک سو می توان به چارچوبی برای تعیین و جهت دهی رفتار خود دست یافت. از سوی دیگر به شناخت و مقابله با سیاست های دفاعی - امنیتی کشورهای رقیب نائل آمد (ماندل، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۲: ۱۰۸). به موجب اصل ۱۷۶ قانون اساسی، شورای عالی امنیت ملی، مسئول تدوین سیاست های فوق الاشعار در نظام جمهوری اسلامی ایران قلمداد می شود که در چارچوب سیاست های کلی نظام عمل می کند که بر اساس بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی از سوی مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین می شود.

مبحث دوم: هماهنگ کردن فعالیت های مختلف کشور با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی

ایجاد هماهنگی های لازم میان تدابیر دفاعی - امنیتی با همه بخش های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی و اقتصادی، مطابق بند ۲ قسمت دوم اصل ۱۷۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر عهده شورای عالی امنیت ملی قرار دارد. لیکن با عنایت به نوع نگرش منطقی نسبت به جایگاه و حدود اختیارات شورای عالی امنیت ملی به عنوان نهادی مشورتی که صرفاً عهده دار تعیین سیاست های کلی راهبردی، جهت تأمین امنیت در کشور است و با توجه به اهداف متعالی این نهاد در جهت تأمین منافع ملی، پاسداری از انقلاب اسلامی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی که در صدر اصل ۱۷۶ قانون اساسی، مورد تأکید قرار گرفته است؛ در این اهداف هر سه قوه می توانند اثر گذار باشند.

مبحث سوم: بهره گیری از امکانات جامعه جهت مقابله با تهدیدات

پیشبرد سیاست های ملی در بخش امنیتی بدون استفاده بهینه از توانمندی ها و امکانات بالقوه و بالفعل ملی امکان پذیر نخواهد بود و میان تأمین امنیت در هر دو بعد داخلی و خارجی آن و بهره گیری از امکانات مزبور ارتباطی غیر قابل اغماض و پیوندی ناگسستنی وجود دارد (عزیزی علویچه، ۱۳۷۹: ۵۹). در واقع، تحقق امنیت ملی حاصل جمع تمامی این عناصر خواهد بود. بویژه آن که پس از تحولات ایجاد شده در مفهوم امنیت، در گفتمان های مدرن و پسامدرن، دیگر امنیت ملی صرفاً نظامیگری تلقی نمی شود و در ابعاد گوناگون قابل بررسی است. لذا بکارگیری همه امکانات کشور در همه بخش های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و... جهت نیل به امنیت ملی در معنای واقعی کلمه، الزامی است (جمراسی فراهانی، ۱۳۷۴: ۱۴۳). در حقیقت با بند اول و دوم شرح وظایف شورا بسترهای مقتضی برای تأمین اهداف بوجود آمد و با بند سوم، موانع آن از سر راه برداشته شد. به این ترتیب، سازوکاری جامع برای

تحقق اهداف شورا منظور شد (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۷۷۶).

فصل سوم: شأن مصوبات شورای عالی امنیت ملی

مطابق قسمت اخیر اصل ۱۷۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجرا خواهد بود. لذا بررسی جنبه حقوقی مصوبات این نهاد، امری ضروری به نظر می‌رسد. شورای عالی امنیت ملی بعنوان یک نهاد تصمیم‌گیرنده، تحت ریاست رئیس‌جمهور تشکیل می‌شود و در چارچوب سیاست‌های کلی تعیین شده از سوی مقام رهبری، مبادرت به تعیین سیاستهای دفاعی-امنیتی کشور می‌کند. شایان ذکر است که تعیین سیاست‌های مزبور در چارچوب وظایف سیاستگذاری نهاد مزبور صورت می‌پذیرد. شورای عالی امنیت ملی صلاحیت تقنین ابتدایی ندارد و صرفاً به اتخاذ تصمیمات موردی مبادرت می‌ورزد و تصمیمات مزبور پس از تأیید رهبری لازم‌الاجرا خواهند بود. همچنین بر اساس بند ۱ قسمت دوم اصل ۱۷۶ قانون اساسی، شورای عالی امنیت ملی در محدوده سیاست‌های کلی تعیین شده از سوی مقام رهبری اقدام به تعیین سیاست‌های دفاعی-امنیتی می‌کند. بر این اساس، ضرورت تبیین مفهوم سیاست‌های کلی نظام که غیر از سیاستهای جزئی نظام است که بوسیله بخشها و مقامات زیر نظر مقام رهبری تعیین و اتخاذ می‌شود، امری غیر قابل اجتناب قلمداد می‌شود.

در همین راستا، شورای نگهبان قانون اساسی در خصوص بند ۱ اصل ۱۱۰ چنین اظهار نظر کرده است؛ از آنجا که ولایت امر و امامت امت با ولی فقیه است، لذا سیاست‌های کلی متخذه از سوی ایشان نیز جزء شرع تلقی می‌شود و مصوبات سایر نهادها نباید بر خلاف آن اتخاذ شود (مستنبط از اصل ۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). به علاوه از آنجا که مقام رهبری مطابق بند ۲ اصل ۱۱۰ ناظر بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام است لذا نمی‌توان آنها را فاقد ضمانت اجرا قلمداد کرد (امیر ارجمند، ۱۳۷۴: ۴۷). باید توجه داشت چون مصوبات لازم‌الاجراست و بدون لازم‌الاجرا بودن مصوبات شورا فلسفه وجودی شورا لغو خواهد شد؛ باید مشروعیت مصوبات شورا به نحوی منطبق با موازین دیگر قانون اساسی اثبات شود.

عبارت ذیل اصل ۱۷۶ «مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجراست». در حقیقت بیانی مستدل برای مشروعیت بخشیدن به مصوبات شورا است، زیرا غیر از قوه مقننه، تنها مقام رهبری است که بر اساس اختیاراتی که دارد، به موجب اصل ولایت مطلقه (اصل ۵۷) قادر به تصمیم‌گیری و تأیید مصوبات و قانونی کردن آنهاست (عمید زنجانی،

همان: ۷۷۹).

بخش سوم: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

اصول متعدد قانون اساسی که متضمن اهداف و ارزشهای بنیادین نظام مقدس جمهوری اسلامی و نهادهای مکتبی برآمده از آن است؛ از دستاوردهای گرانبهایی است که باید در پاسداشت آنها کمال جدیت رابه عمل آورد. چرا که اساس و کیان نظام به آنها وابسته است. لذا چون هر گونه آسیب و لطمه به اصول مزبور، نظام جمهوری اسلامی ایران را در معرض تهدیدات جدی قرار می‌دهد؛ از این رو در راستای حراست همه جانبه از انقلاب اسلامی و دستاوردهای ارزشمند آن نهاد مهم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تشکیل شد.

جایگاه سپاه در سلسله مراتب نظام ولایی

شاید در اذهان این سؤال مهم پیش آید که چرا این نهاد در زمره و در راستای نهادهای سیاستگذار امنیت ملی قرار دارد؟ پاسخ به پرسش مطروحه مستلزم مقدمه ای است که جایگاه قانونی سیاستگذاری سپاه در قانون اساسی را تبیین کند. پس به تعریف پاسدار و ضرورت تشکیل و اهداف و وظایف این نهاد اشاره می‌شود. با توجه به اصل ۱۵۰ که مقرر می‌دارد: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که در نخستین روزهای پیروزی این انقلاب تشکیل شد، برای ادامه نقش خود در نگهبانی از انقلاب و دستاوردهای آن پا برجا می‌ماند ...» بیان این نکته ضروری است: اولاً، سپاه نه تنها از صلاحیت اختیاری که از صلاحیت تکلیفی در باب پاسداری و حفاظت از انقلاب و دستاوردهای آن برخوردار است؛ و ثانیاً، لفظ نگهبانی در اصل ۱۵۰ به طور علی الاطلاق مورد استفاده قرار گرفته و این اطلاق که مورد تقیید قرار نگرفته به وضوح دلالت دارد که هر گونه تحدید سپاه و وظایف آن، تهدید انقلاب و دستاوردهای آن قلمداد می‌شود.

بدیهی است این نگهبانی علی الاطلاق مستلزم ابزارها و سیاستگذاریهای خاص است و در راستای ایفای نقش و وظیفه اصلی سپاه، سیاستگذاری و ایجاد سازمانها و ساختارهای متناسب با آن در ابعاد و زمینه‌های مختلف یک ضرورت ناشی از قانون اساسی محسوب می‌شود. لذا بسیاری از شبهاتی که برخی مواقع نسبت به دخالت سپاه پاسداران در مسائل اطلاعاتی و امنیتی کشور مطرح می‌شود دقیقاً ناشی از عدم توجه و عدم شناخت جایگاه قانونی این نهاد در اصل بسیار مهم ۱۵۰ قانون اساسی دارد. توجه به این اصل به ویژه اطلاق وظیفه سپاه می‌تواند به خوبی رافع همه این شبهات باشد. با وجود این، به این نکته باید توجه داشت که منظور از این سیاستگذاریها به هیچ وجه سیاستگذاریهای کلان موضوع بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی نیست که از اختیارات مختص مقام رهبری است؛ بلکه در ذیل و در امتداد آنها قرار می‌گیرد. زیرا بر اساس نظام ولایی، اصل سلسله مراتب در فرماندهی کل قوا در این خصوص نیز حرف

اول را می‌زند(اصلاحی، ۱۳۸۳: ۵).

پس از ذکر این مقدمه، به تعریف پاسدار می‌پردازیم. با عنایت به اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب پانزدهم شهریور ۱۳۶۱ پاسدار به فردی اطلاق شده که «برای جهاد همه جانبه در راه خدا و نگهداری از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن بعنوان وظیفه شرعی با داشتن شرایط ذیل به عضویت سپاه پاسداران در آمده باشد:

الف: اعتقاد به مبانی اسلام و انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران؛

ب: اعتقاد و التزام عملی به ولایت فقیه؛

ج: التزام عملی به احکام اسلام و قوانین جمهوری اسلامی و رعایت موازین اخلاق

اسلامی؛

د: عدم عضویت در احزاب و گروهها و سازمانهای سیاسی؛

و: حسن شهرت و عدم سوء سابقه (مجموعه قوانین نخستین دوره مجلس شورای اسلامی، ۲۵۹).

لذا پاسدار فردی است معتقد و ملتزم عملی به مبانی اسلام، انقلاب اسلامی، ولایت فقیه و قوانین جمهوری اسلامی که نگهداری از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن را وظیفه شرعی خود می‌داند. همچنین در بیان ضرورت تشکیل و اهداف سپاه پاسداران باید بیان داشت که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران گر چه به ظاهر جزئی از نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود ولی هدف تشکیلاتی آن با اهداف سازمانی دیگر نیروهای نظامی و انتظامی کاملاً متفاوت است. زیرا تشکیل سپاه بر اساس ضرورتهای انقلاب صورت گرفته و اصل ۱۵۰ قانون اساسی ضرورت تشکیل و هدف اصلی آن را نگهداری از انقلاب و دستاوردهای آن معرفی می‌کند(عمید زنجانی، ۱۳۶۶: ۴۳-۴۲). همچنین اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب پانزدهم شهریور ۱۳۶۱ مجلس شورای اسلامی در ماده ۱ در ادامه هدف مزبور، کوشش مستمر در راه تحقق آرمانهای الهی و گسترش حاکمیت قانون خدا طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران و تقویت کامل بنیه دفاعی جمهوری اسلامی از طریق همکاری با سایر نیروهای مسلح و آموزش نظامی و سازماندهی نیروهای مردمی را جزئی از اهداف سازمانی سپاه شمرده است. وظایف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طبق اساسنامه آن به شرح ذیل است:

۱- مبارزه قانونی با عوامل و جریانهایی که در صدد خرابکاری، بر اندازی نظام جمهوری

اسلامی و یا اقدام علیه انقلاب اسلامی ایران هستند؛

۲- مبارزه قانونی با عواملی که با توسل به قوه قهریه در صدد نفی حاکمیت قوانین

جمهوری اسلامی باشند؛

۳- اقدام همانند دیگر نیروهای انتظامی در جهت خلع سلاح کسانی که بدون مجوز قانونی

اسلحه و مهمات حمل و نگهداری می‌کنند؛

- ۴- همکاری با نیروهای انتظامی در مواقع لزوم در جهت برقراری نظم و امنیت و حاکمیت قانون کشور؛
- ۵- همکاری با دیگر نیروهای انتظامی در جهت حفاظت با تشخیص شورای تأمین محل؛
- ۶- همکاری با ارتش جمهوری اسلامی ایران در مواقع لزوم در جهت پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی ایران؛
- ۷- همکاری با ارگان اطلاعاتی کل کشور؛
- ۸- برنامه ریزی، سازماندهی، اداره و فرماندهی و اجرای آموزشهای عقیدتی، سیاسی و نظامی اعضای بسیج بر طبق موازین اسلامی؛
- ۹- مشارکت در عملیات امدادی با رعایت کامل موازین عدل اسلامی در زمان صلح؛
- ۱۰- پرورش و آموزش اعضاء سپاه طبق تعالیم و موازین اسلامی مبنی بر رهنمودهای ولایت فقیه در زمینه‌های عقیدتی، سیاسی و نظامی در جهت کسب توان لازم به منظور انجام مأموریت‌های محوله (مجموعه قوانین اولین دوره مجلس شورای اسلامی، ۲۵۴). مستفاد از وظایف سپاه که در بندهای فوق به نقش تصمیم‌گیرندگی سپاه در امور دفاعی و امنیتی اشاره شد، می‌توان به نقش حساس و ارزشمند سپاه پی برد؛ ولی هیچکدام از این وظایف، نافی فرماندهی کل قوا نیست. لذا با توجه به مطالب مطروحه یعنی با عنایت به مقدمات بحث در خصوص جایگاه سپاه و مذاقه نظر در تعریف پاسدار و با عنایت به ضرورت تشکیل و اهداف متعالیه و جایگاه ممتاز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در قانون اساسی (اصل ۱۵۰) و وظایف و مسئولیت‌های خطیر محوله بر این نهاد، تمایز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از دیگر نهادهای نظامی و انتظامی کاملاً مشهود است و جای هیچگونه تردیدی نیست که وظایف مزبور در راستای وظیفه اصلی سپاه که در اصل ۱۵۰ قانون اساسی آمده تعیین شده است. همه این اقدامات دارای ابعاد و وجوه مختلف بوده و مستلزم مقدمات و ابزارهای خاص خود است و این نهاد را از حالت نهادی صرف نظامی خارج کرده و به طور اطلاق و عمومی به امور مختلف من جمله فرهنگی و امنیتی منصرف می‌کند.
- با وجود این، باید خاطر نشان شود و نمی‌توان منکر این حقیقت شد که «در تشکیلات فرماندهی سپاه، مقام رهبری به عنوان فرمانده کل قوا تعیین کننده سلسله مراتب فرماندهی است که با نصب فرمانده کل سپاه بافت سازمانی سپاه به صورت فرماندهی متمرکز توأم با حفظ سلسله مراتب و رعایت نظم و انضباط کامل برقرار است (عمید زنجانی، ۱۳۶۶: ۴۸۲). سپاه دارای ماهیتی کاملاً مکتبی است و به همین دلیل با نهاد رهبری ارتباط مستقیم ولایی دارد.

نتیجه

در کشورهای مختلف، مرکزی جهت هماهنگ سازی و پیشبرد امور مربوط به امنیت ملی و اتخاذ تدابیر لازم صورت می‌گیرد. این مرکز که در نظام جمهوری اسلامی ایران شورای عالی امنیت ملی نام دارد از جایگاه حکومتی منبعث از قانون اساسی برخوردار است. شورای عالی امنیت ملی در نظام جمهوری اسلامی ایران به جهت ارتباط ناگسستنی موجود میان مقوله‌ی امنیت ملی با بخشهای گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اطلاعاتی کشور، به تناسب متشکل از افراد رده بالای حکومتی و مقامات عالی رتبه کشوری و لشگری است. نهاد کلیدی و متمرکز تدابیر امنیتی در ایران و سایر کشورها، عمدتاً به ریاست رئیس دولت (رئیس جمهور یا نخست وزیر) اداره می‌شود و علاوه بر تصمیمات خطیر که اتخاذ می‌کنند، مسئولیت ارائه مشاوره‌های لازم در خصوص مسائل دفاعی و امنیتی را نیز بر عهده دارند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز در سطحی پائین تر به عنوان دیگر نهاد سیاستگذار در امور امنیتی در نظام جمهوری اسلامی ایران با توجه به اهداف، وظایف و مسئولیتهای محوله مطرح است؛ اما با این همه مصوبات شورای عالی امنیت ملی در ایران و همه تدابیر و تصمیمات و اقدامات امنیتی سپاه، به علت ولایت مطلقه‌ی مقام رهبری بر همه‌ی قوای حاکم در کشور، بدون تأیید فائده رضایی ایشان لازم الاجرا نخواهد بود. چارچوب تعیین سیاستهای دفاعی - امنیتی کشور از سوی شورای عالی امنیت ملی و همه سیاستها، تدابیر و برنامه‌های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز همان چارچوب سیاستهای کلی تعیین شده از سوی مقام رهبری خواهد بود.

منابع و ماخذ

الف - فارسی

- کتب

۱. ابوالحمدا، عبدالحمید. (۱۳۶۸)، مبانی سیاست، جامعه شناسی سیاسی. چاپ چهارم، تهران: توس.
۲. تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۵)، مدخلی بر مفاهیم و دکترینهای امنیت ملی. تهران: معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور.
۳. بوزان، باری. (۱۳۷۸)، مردم، دولتها، هراس. ترجمه و انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
۴. برژینسکی، زینگو. (۱۳۶۹)، در جستجوی امنیت ملی. ترجمه ابراهیم خلیلی، تهران: سفیر.
۵. بوشهری، جعفر. (۱۳۷۶)، مسائل حقوق اساسی به انضمام ترجمه قوانین اساسی فرانسه، آلمان، انگلیس و آمریکا. چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.
۶. جمراسی فراهانی، علی اصغر. (۱۳۷۴)، بررسی مفاهیم نظری امنیت ملی. چاپ اول، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۷. حجاریان، سعید. (۱۳۷۵)، تحول مفهوم امنیت در جمهوری اسلامی، در توسعه و امنیت عمومی. جلد ۱ و ۲، تهران: معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور.
۸. درویشی سه تلالی، فرهاد. (۱۳۷۶)، تأملی نظری بر امنیت ملی، تهدیدات و رهیافتها. تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد معاونت تحقیق و پژوهش.

۹. زارع، عباس. (۱۳۸۰). مبانی مشروعیت و قدرت در جمهوری اسلامی ایران. تهران: موسسه فرهنگ دانش.
۱۰. صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی. (۱۳۶۸). تهران: اداره کل روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
۱۱. عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۶۸). فقه سیاسی، حقوق اساسی و مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. جلد اول، تهران: امیر کبیر.
۱۲. عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۸۵). فقه سیاسی، حقوق اساسی شامل دوران باستان، دوره اسلامی، مشروطه و جمهوری اسلامی ایران با اصلاحات بازنگری (۱۳۶۸). چاپ اول، تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. قوام، عبدالعلی. (۱۳۷۱). اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل. چاپ اول، تهران: سمت.
۱۴. کاظمی پور، شهلا. (۱۳۷۵). جمعیت و امنیت ملی، توسعه و امنیت عمومی. تهران: انتشارات وزارت کشور.
۱۵. لاریجانی، محمد جواد. (۱۳۷۳). مباحثی در مشروعیت و کارآمدی. چاپ اول، تهران: سروش.
۱۶. منصور، جهانگیر. (۱۳۸۱). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. چاپ بیست و دوم، تهران: نشر دوران.
۱۷. ماندل، رابرت. (۱۳۷۲). چهره متغیر امنیت ملی. تهران: ترجمه و انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۸. مجموعه قوانین اولین دوره مجلس شورای اسلامی. (۱۳۶۳). چاپ اول، تهران: اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی.
۱۹. دولت‌شاه، حجت. (۱۳۸۴). منشور سازمان ملل متحد. چاپ دوم، تهران: مجد.
۲۰. نجفی، مرتضی. (۱۳۷۹). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات بین الملل.
۲۱. هاشمی، سید محمد. (۱۳۷۶). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. جلد دوم، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

– مقالات

۱. بوزان، باری. (۱۳۷۸). امنیت در حال گذار، تحول معنای امنیت در قرن ۲۱. پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۱۰.
۲. تاجیک، محمد رضا. (۱۳۷۷). انتظام در پراکندگی، بحثی در امنیت ملی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲.
۳. خلیلی، رضا. عوامل و مراحل تدوین اجرا و ارزیابی استراتژی امنیت ملی. نشریه راهبرد، ۱۳۸۰، شماره ۲۰.
۴. دوگان، ماتیبه. (۱۳۷۸). دیدگاههای مختلف نسبت به مسئله مشروعیت. مجموعه مقالات سیاسی امنیتی، ترجمه و انتشار پژوهشکده مطالعات راهبردی، جلد دوم.
۵. ره پیک، حسن. (۱۳۷۷). امنیت ملی و تحدید حقوقی آن. پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۲.
۶. ره پیک، حسن. (۱۳۷۹). حقوق و امنیت در جمهوری اسلامی ایران. پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۴.
۷. ره پیک، حسن. (۱۳۷۹). حقوق امنیتی، تصمیم گیری سیاسی و جامعه امن. پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۸. عزیززاده، علویچه، حسن. (۱۳۷۹). مفهوم شناسی امنیت. شرحی بر تهدیدات امنیتی، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. عسگری، محمود. (۱۳۸۰). منافع ملی در عصر جهانی شدن. فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۱.
۱۰. عطارزاده، مجتبی. (۱۳۷۷). تأثیر رویکرد جدید مفهوم امنیت بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۲.

ج- تقریرات

۱. اصلانی، فیروز. (۱۳۸۳). تقریرات درس حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، مقطع کارشناسی دانشگاه تهران.
۲. امیر ارجمند، اردشیر. (۱۳۸۳). تقریرات درس حقوق اداری ایران. مقطع کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.

ب- خارجی

- 1-Iqbalur, rehaman. 1992, **national security and the problem of un conventional warfar.** dethi, kanishka publishing house.
- 2-Macdonald, hugh. 1981, **the place of stratege and theidea of security.** Millennium.
- 3-Wolfers, Arnold. 1962, “ **national security as an ambiguous.**”Hopkins university press.